کرونا و نظام بین‌الملل

مهدی فقیه- دانشجوی دکتری علوم سیاسی –گرایش مسائل ایران دانشگاه تهران

بحران‌های طبیعی بر زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد. مدیریت بحران‌های طبیعی می‌تواند این هزینه‌ها را کاهش دهد و جوامع را در برابر این بحران‌ها ایمن و مصون کند. از سویی دیگر در سه دهه اخیر نظریه حکمرانی خوب در حوزه علوم اجتماعی پدیدار شده است

حکمرانی خوب که با ویژگی هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی اثربخشی و کارآیی و حاکمیت قانون تعریف می‌شود،الگویی برای توسعه پایدار انسانی با ساز و کار تعامل عملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است .

دولت ها همواره با بحران های مختلف مواجه بوده‌اند. مدیریت بحران عبارت است از مجموعۀ فعالیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و همۀ سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات، جلوگیری از وقفۀ زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط زیست و سرانجام ترمیم و بازسازی خرابی‌ها .(Foster, 1976: 10) بحران عبارت است از ازهم‌گسیختگی شدید در فعالیت‌های یک جامعه که در این فرایند، انسان‌ها اقلام و دارایی‌ها و محیط در سطح وسیع دچار آسیب و صدمات شدید می‌شوند؛ به‌طوری‌که جامعه فقط قادر است از منابع موجود خود کمک بگیرد. بحران‌ها غالباً براساس سرعت و شدت یعنی ناگهانی بودن یا کند بودن بروز آن و یا به این دلیل که طبیعی است یا زادۀ دست بشر است، طبقه‌بندی می‌شوند (UNDP, 1992: 14) مدیریت بحران فرایندی است برای پیشگیری از بحران و یا به حداقل رساندن اثرهای آن هنگام وقوع. برای انجام این فرایند باید بدترین وضعیت‌ها را برنامه‌ریزی و سپس روش‌هایی را برای اداره و حل آن جستجو کرد (AMA, 2003).

اهداف مدیریت بحران را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

ـ رفع شرایط بحران و اضطرار؛

ـ بازگرداندن سریع جامعه به حالت عادی؛

ـ کاهش آسیب‌های ناشی از بحران چه جانی و چه مالی؛

ـ کاهش اثرهای بحران در جامعه و مقابله با آن با کمترین هزینه‌ها؛

ـ ایجاد آمادگی در جامعه برای مقابله با بحران؛

ـ بازسازی مناطق بحرانی ازلحاظ فیزیکی و روانی و فرهنگی؛

ـ ایجاد تمرین و آموزش و مانورها در مناطق جهت آمادگی برای مقابله با بحران برای مدیران و مردم.

الگوی واحدی وجود ندارد کهدولت ها بتواند در خصوص مدیریت بحران از آن پیروی کنند. هر بحران تاثیر خود بر سیاستگذاری دولت ها در زمان آغاز، اوج و پایان خود می گذارد، به طور مثال تاثیربحران و رکود اقتصادی 1929 بر سیاستگذاری اقتصادی پس از خود مشهود است، همچنین بحران های دیگری را هم می توان نام برد.

**امنیت انسانی و اهداف هزاره**

مفهوم نوین امنیت انسانی در سال­های اخیر همزمان با موج گرایش دولت­ها به اتخاذ استراتژی­های جدید در راستای توسعة پایدار و به‌صراحت با گزارش سال 1994 مرکز توسعة سازمان ملل متحد به جامعة جهانی معرفی شد که در هفت بُعد خود (اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی) سیاست‌های کلی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داد. (رهامی،1396: 221)

آغاز قرن بیست و یکم نقطه عطفی در اعلام تعهد جهانی برای دستیابی به توسعه بود. در اجلاس هزاره سراندر سازمان ملل متحد در سپتامبر سال 2000، اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد با حضور سران و مقامات عالی رتبه حدود 190 کشور دنیا تصویب شد و همگان را موظف کردکه هرچه در توان دارند برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، پایداری محیط زیست،ارتقای کرامت انسانی،بسط وگسترش صلح و امنیت و دموکراسی انجام دهند. در همین راستا اهداف توسعه هزاره مبتنی بر اعلامیه مذکور و شامل ریشه کن کردن فقر شدید و گرسنگی، دست یافتن همگانی به آموزش ابتدایی، برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با ایدز و مالاریا، تضمین پایداری محیط زیست و نهایتا گسترش مشارکت جهانی برای توسعه ارائه شد.

نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری های بین المللی

از زمان شکل گیری حکومت های ملی و به تبع آن پیدایش روابط بین الملل مدرن در قرن هفدهم میلادی، دو دیدگاه بدبینانه و خوش بینانه درموردماهیت و محتوای روابط بین الملل وجود داشته است . بر همین اساس , دو مکتب فکری یا نمونه عالی آرمان گرایی و واقع گرایی در ادبیات روابط بین الملل شکل گرفته که به نوبه خود به پردازش نظریات متعارض منجر شده است

نقطه اوج تقابل این دو رویکرد , به صورت مناظره اول در روابط بین الملل درمقطع زمانی بین دو جنگ ظاهر شد که سرانجام باپیروزی واقع گرایی پایان یافت.

با وجود تفوق واقع گرایی- اعم از وابع گرایی کلاسیک مورگنتا و نئوواقع گرا یی کنت والتز- بر مطالعات روابط بین‌الملل , این قالب فکری بدون چالش و مخالفت نظری نبوده است . غالب این چالش‌ها از سوی نظریات مختلف درچاچوب آرمان گرایی – یاآنچه که بعد از جنگ جهانی دوم لیبرالیسم خوانده شد- صورت گرفته است امادر اواسط دهه 80 این چالش نظری واردمرحله نوینی شد. از این زمان به بعد ادبیات روابط بین الملل , شاهد ظهور نظریه جدیدی است که به نهادگرایی نئولیبرال یا نئولیبرالیسم مشهور شد. این نظریه , برخلاف واقع گرایی معتقد است که روابط بین‌الملل ماهیتأ خشونت و مناقشه آمیز نیست و جنگ نیز یک استثنا است .  
بنابراین , حتی درشرایط بی نظمی و فقدان یک حکومت مرکزی در سطح جهان , می توان باکمک نهادها و سازمانهای بین المللی به همکاری های بین المللی دست یافت .

کرونا و نظام بین الملل

گرمایش جهانی و بحث تغییر اقلیم ناشی از فعالیت های بشر یکی از مشکلات و معضلات عمده محیط زیستی است که در دو دهه اخیر توجه بسیاری از محافل علمی و سیاسی جهان را بخود جلب کرده است. در سال‌های دهه ۸۰ میلادی افکار عمومی لزوم ایجاد کنفرانس‌های بین المللی دوره‌ای و تشکیل پیمان نامه‌ای برای حل این مسئله را احساس کرد.

دولت‌ها برای انعکاس افکار عمومی یک سری کنفرانس بین‌المللی برگزار کردند و تنظیم قراردادی بین‌المللی را برای بررسی این مسئله خواستار شدند. بر این اساس در اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲ کنوانسیون تغییر اقلیم با هدف کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای شکل گرفت. تعاقب شکل‌گیری کنوانسیون وبه منظور اجرایی کردن اهداف آن پروتکل اجرایی کیوتو، با ایجاد تعهد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای توسعه‌یافته در سال ۱۹۹۷ تدوین و دوره زمانی اجرای آن از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ تعیین شد.

با توجه به روند روبه افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای، اتمام دور اول تعهدات پروتکل کیوتو در سال ۲۰۱۲ برای کشورهای توسعه‌یافته، ضرورت ایجاد عزم جهانی برای کنترل انتشار گازهای گلخانه ای و مشارکت و همگرایی همه‌جانبه کلیه کشورهای جهان، همچنین برای رفع مشکل گرمایش زمین و تبعات ناشی از آن بر جامعه بشری و حیات کره مسکون، کشورهای عضو کنوانسیون را بر آن داشت تا با ایجاد سازوکاری جدید برای رفع مشکلات زیست‌محیطی جهان تحت لوای کنوانسیون تغییر اقلیم راهکاری تازه بیندیشند.

در این راستا و با نزدیک شدن به پایان دور اول تعهدات پروتکل کیوتو، در هفدهمین اجلاس کنوانسیون، تدوین رژیم حقوقی جدید برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بررسی شد و تمدید پروتکل کیوتو برای یک دوره پنج ساله و تدوین رژیم حقوقی جدید بر مبنای مذاکرات این اجلاس و اجرای آن، از سال ۲۰۲۰ حاصل نتایج این مذاکرات بود. بر اساس تصمیم این نشست گروه ویژه‌کاری تدوین رژیم حقوقی جدید با مشارکت کلیه کشورها شکل گرفت. با شکل‌گیری گروه کاری از سال ۲۰۱۲ مذاکرات تدوین رژیم حقوقی جدید آغاز شد. در جریان برگزاری نشست‌های تدوین رژیم حقوقی جدید و طبق تصمیم نوزدهمین اجلاس کنوانسیون مقرر شد کلیه کشورهای عضو اعم از توسعه‌یافته و درحال‌ توسعه برنامه «مشارکت مدنظر کاهش انتشار خود» را با هدف نشان دادن عزم خود برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و جلوگیری از افزایش بیش از ۱.۵ درجه‌ای دما و مقابله با پیامدهای آن تا قبل از بیست و یکمین اجلاس کنوانسیون در سال ۲۰۱۵ ارائه کنند.

تا پیش از برگزاری بیست و یکمین اجلاس تغییر اقلیم بیش از ۱۵۵ کشور برنامه مشارکت مدنظر کاهش انتشار خود را ارائه داد و درنهایت دسامبر ۲۰۱۵ مذاکره تدوین رژیم حقوقی جدید به نتیجه رسید و موافقتنامه‌ای تحت عنوان توافقنامه پاریس در ۲۹ ماده و با اجماع کلیه کشورهای جهان به تصویب رسید که از سال ۲۰۲۰ به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد. این توافقنامه تاکنون توسط ۱۹۶ کشور امضا شده است و ۱۸۴ کشور نیز این موافقت‌نامه را در مراجع قانونی خود تصویب کرده‌اند.( https://www.isna.ir)

نتیجه گیری:

همان طور که ذکر شد افزایش گازهای گلخانه‌ای،گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی که پیامد تخریب محیط زیست است، باعث شد تا سازمان ملل متحد با مشارکت کشورهای جهان برای مقابله با این پدیده دست به تدوین«معاهده پاریس» بزند در حقیت یک الگوی مشارکت جمعی برای مقابله با گرامیش زمین را به وجود آورد. همچنین یکی از ارمان های مطرح در «اهداف هزاره سوم» سازمان ملل متحد مبارزه با ایدز، مالاریا، توبر کلوز و دیگر بیماری‌ها می باشد.

بحران کرونا در سطح دولت های ملی به بازنگری سیاست‌گذاری ها در حوزه بهداشت و درمان و رفاه اجتماعی منجر خواهد شد ولی از آنجا که این بحران به دلیل شیوع جهانی آن تاثیراتی فراتر از مرزهای ملی کشورها داشته است، بدیهی است سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی به عنوان یکی از ارگان های سازمان ملل متحد برای جلوگیری از شیوع بیماری های جدید و عدم تکرار وضعیت همه‌گیری فعلی مانند «معاهده پاریس» الگوی مشارکت و عمل جمعی تدوین خواهد کرد.

«بانک جهانی» و «صندوق بین المللی پول» به عنوان نهادهای بین المللی اقتصادی راهکارهای مناسب در خصوص مقابله با پیامدهای اقتصادی به کشورها ارائه خواهند کرد.

دیدگاه های بدبینانه نسبت به آینده جهان از سوی اندیشمندان و متفکران ارائه شده اما نباید فراموش کرد که اگر «جامعه ملل» نتوانست بر طبق آرمان های خود از بروز جنگ جهانی دوم و فاجعه انسانی جلوگیری کند اما این عدم موفقیت باعث نشد تا ایده تشکیل «سازمان ملل» کنار گذاشته شود. عدم موفقیت سازمان‌های بین‌المللی به معنی تعطیلی این نهادها نیست بلکه به معنی اصلاح ساز و کارها این سازمان های بین‌المللی و در صورت لزوم تشکیل نهادهای جدید بین‌المللی است.

منابع:

Foster, H. D. and Wuorinen V. 1976. British Columbia’s Tsunami Warning System: An Evaluation. University of Victoria syesis.

UNDP.1992 .an overview of disaster management. 2th edition. UNDP publication.

American Management Association (AMA). 2003. AMA Survey: Crisis management and Security issues, AMA publication.

<https://www.isna.ir/news/97121407305/%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%81%D9%82%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%B3-%D8%A7%D8%B2-%D8%B4%DA%A9%D9%84-%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%D8%A7-%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%A7%D9%82>

رهامی،روح اله، امنیت انسانی و سرمایۀ اجتماعی (شاخص‌های پیونددهنده)، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره4،شماره 2، تابستان 1396